

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

تیمورشاه تیموری

شادی و شیر

حاکم جنگل بشدی ناگزیر
روز و شبش بود به خورد و به نوش
در سر آسوده نبودش خیال
رحم نمودی به خُرد و بزرگ
روبه پُرمردۀ افسرده ای
حامی و درمانگر بی کسان
موجب آزار من و دیگَران
آمد و بازور ز نَزدم ربود
آتشی افروخته در پیکرم
بهر خدا هرچه که دانی بکن
شاخ به شاخی بپیریدی به چند
آتشی در سینۀ بیمبار داشت
خیز نمائی همه در شاخه ها
لیک به کُردار تو خنده کنم
آنچه توقع کنی آرم بسر
قدرت پنهان و عیان مرا
حاجت ازین بیش بگفتن نبود

شادی رقصه به فُقدان شیر
حکم نمودی به طیور و وحوش
تکیه نمودی به صدر جلال
لیک به آئین شهان سترگ
وارد دربار بشد روبهی
روبه خروشید که شاه جهان
گرگ خبیثی شده در این مکان
چوچه من را که چو گلدسته بود
آمده اکنون قیامت سرم
چاره دردم چو توانی بکن
بوزنه ز جاست به شاخی بلند
روبه که نظاره به این کار داشت
گفت به شادی که شه پُرادا
من گله از گرگ درنده کنم
شادی بدو گفت که ای رنجبر
جُسته ای از من چو توان مرا
قدرت من بیش ز جستن نبود

هر کرا از بهر کاری ساختند نی ز بوزینه نجاری ساختند
قدرت من خیز و جستی بیش نیست رهنوردی کار هر درویش نیست
هر که ز شادی طمع شیر کرد
زود جهان رنجه و دلگیر کرد

(المان - ۲۲ سپتمبر ۲۰۱۲)